

هو الله تعالى شأنه العدل والعطاء يا أولياء الله وحزبه

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



من آثار حضرت بهاء الله - لثانی الحکمة، المجلد 2، لوح رقم (145)، الصفحة 310 - 313

هو الله تعالى شأنه العدل و العطاء

یا اولیاء الله و حزبه امروز نور عدل از ظلم ظالم عالم مستور بل محو شده چه که ضرب قوی از اشقیاء بر جسد مبارکش وارد در ارض یا ضوضا مرتفع نفوس مقدسه مطمئنه را محض شقاوت و اخذ دراهم اخذ نمودند و بذلت کبری ایشان را بررسمان بستند و عامه خلق با زنجیر و سنگ و چوب زدند و نزد مطلع بغی و فحشا و مشرق نفس و هوی نواب والا بردند و بعد از اخذ آنچه موجود بود ببدترین عذاب شهید نمودند فرعون عصر بیکی از آن نفوس مبارکه گفته بیا تبراً کن در جواب گفته من چهل سنه منتظر این یوم بوده‌ام و الحمد لله الیوم بان فائز شدم و دیگری در حین عبور امام وجوه ظالمین باینکلمه علیا ناطق: ای قوم سید الشهداء فرمود هل من ناصر ینصرنی و این عبد میگوید هل من ناظر ینظرنی مقصودش آنکه آتظلوم مشتاق شریه شهادت بود نه منتظر ناصر از این کلمه مبارکه عبرات اهل فردوس نازل و زفرات اهل جنت مرتفع سبحان الله این ایام دو امر عظیم ظاهر از یمین بزم اولیا و از یسار رزم اشقیاء و مظلوم عالم یک آیه مطابق ایوان بزم تلاوت مینمود و آیه آخری در ذکر شهداء نازل میفرمود و در این ایام بشارت کبری در منظر اکبر مذکور و آن صعود یکی از اولیاء بوده برفیق اعلی و افق اهبی تعالی فضله الذی احاط العالم و الامم و تعالی بیانہ الذی انجذب به الملائ الاعلی و سکان مقر العرش و الثری الذی سمی بعبد الله فی کتاب الاسماء نشهد انه اقبل فی اول الايام الی مولی الانام اذ اعرض عنه اکثر البلاد و نشهد انه اقر بما نطق به لسان العظمة فی سجن عکاء و قبلها و اعترف بالله و سلطانه و ظهوره و اقتداره بین العالم و خلقه هو الذی حمل الشدائد و البلیا حبا لله مولی الاسماء و ورد علیه من الاعداء ما ناح به اهل سرادق العظمة و العفة فی الفردوس الاعلی نسل الله تبارک و تعالی ان ینزل علیه فی کل الاحیان رحمة من عنده و عنایة من لدنه انه هو العزیز المنان و نسئله تعالی ان يجعل مقامه فی ظل سدرۃ المنتهی و یسقیه کوثر البقاء من ایدى الفضل و العطاء انه هو المقتدر علی ما یشاء لا اله الا هو الفیاض الفضال الغفار العزیز الوهاب یشهد المظلوم عند ذکره ماج بحر الغفران و حاج عرف عنایة ربہ الرحمن و نادى المناد من ملکوت البیان یا ملأ الارض اسمعوا ثم اعلموا بصعوده و عروجه ابتم ثغر الملائ الاعلی و اهل خباء المجد فی الجنة العلیا طوبی لمن یدکره بما نزل من قلبی الاعلی فی هذا المقام الامنع الاقدس العزیز الابهی نسل الله ان یعزى ابنائه و اهله و احبائه و یزینهم بطراز الصبر و الاصباطار انه هو العزیز المقتدر المختار اولیای آن ارض را سلام میرسانیم و بما یرتفع به مقاماتهم بین العباد وصیت مینمائیم یا طیب علیک سلامی و بهائی نسل الله ان یؤیدک علی ما یحب و یرضی و یوفقک علی ما یقریبک الیه فی کل الاحوال لله الحمد ذکر شما در ساحت مظلوم



ORIGINAL

بوده و هست امید آنکه از بعد تمسک نمائی بآنچه که عالم بیان شهادت دهد بر علو مقام و سمو آن . جناب میرزا زین العابدین علیه سلام الله و عنایتہ باید در جمیع احوال بحق ناظر باشد لله الحمد تمام ایام را بحبّت حق صرف نمود و بوصف و ثنائش مشغول نسل الله ان یحفظه و یفتح علی وجهه باب عنایتہ انه علی کلّ شیء قدير اولیا طراً لدى المظلوم مذکورند از برای هر یک میطلبیم آنچه را که سبب فلاح و نجات است الامر بید الله ربّ ما کان و ما یكون انا لله و انا الیه راجعون .